

# آموزش و پرورش ایران از قرن اول تا تأسیس دارالفنون

مهداد نوری مجیری

دبیر تاریخ، شهر تهران

**کلیدواژه‌ها:** آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، اسلام

## تعلیم و تربیت در اسلام

در ابتدای ظهور اسلام عده کمی در بین اعراب از مهارت نوشتن بهره داشتند و آن‌ها نیز جزو قبیله قریش بودند. وقتی پیامبر در جنگ بدر بر قریش پیروز شد، برای آزادی اسیران سوادآموزی به ۱۰ نفر را شرط آزادی قرار داد. قرآن و دین اسلام مشوق علم و ادب است و در هیچ کتابی به اندازه قرآن درباره علم و دانش سفارش نشده است. نوشته‌اند: «سفیان

بن امیه و ابوالقیس

**عبدالمناف** اولین بومیان مکه بودند که هنر خواندن و نوشتن را از آموزگار مسیحی خود به نام **بشرین عبدالملک** آموختند و نخستین مردمی که در عربستان خواندن و نوشتن را آموختند، از مردم وادی القری بودند!

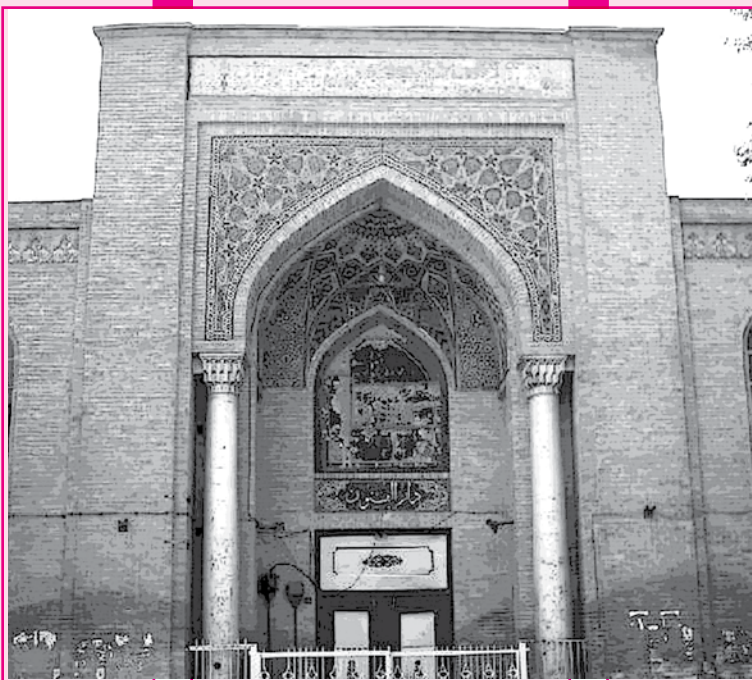
ابن خلدون می‌گوید: «کسی که نوشتن را از حیره آموخت، سفیان بن امیه بود.»

در زمان حضرت علی (ع) هیچ‌گونه بحثی به خصوص در زمینه مسائل عقیدتی و قرآنی بدون جواب نمی‌ماند. قیام امام حسین که علاوه بر مجالس دروس باعث رشد اندیشه و تفکر بین مسلمین شد. از یک طرف و از طرف دیگر وجود امام **محمدباقر (ع)** و امام **جعفر صادق (ع)** و شاگرد آن‌ها **جابر بن حیان** فایده‌های بسیاری در روشنگری مسلمین داشتند. روش‌هایی که امام صادق به کار می‌برد، عبارت بودند از: احتجاج و مناظره و روش استدلال تحلیلی. شاگردان او نیز راه امامان بزرگوار را ادامه دادند. از

جمله **ابوجعفر محمدبن یعقوب کلینی** و سپس **ابن بابویه، محمدحسن طوسی**، حرّ عاملی، ملا محسن فیض کاشانی و باقر مجلسی.

مدت یک قرن بنی‌امیه دوران فترت و انحطاط مسلمین بود. در این دوره، اغلب کتاب‌ها و نوشته‌های ادبی محو و نابود شدند. خط و زبان ایرانیان همان خط و زبان پهلوی بود. در زمان معاویه و خلفای بعد تا زمان **عبدالملک**، سکه‌ها به پهلوی بودند. در زمان **عبدالملک مروان** تمام دیوان‌ها و مسکوکات به خط عربی تبدیل شدند و این خط در تاریخ ایران رواج یافت. از قرن دوم هجری، با شروع خلافت عباسیان و اعمال نفوذ وزیران ایرانی مانند «برامکه» در امور مملکت‌داری، وضع مدارس و محافل علمی بهبود یافت. یکی از این مراکز «بیت‌الحکمه» بود که مأمون عباسی در بغداد تأسیس کرد (وکیلان، ۱۳۷۰: ۵۴-۴۸).

در اثر دانش دوستی وزیران ایرانی و بذل مال فراوان در



مدرسه دارالفنون

ترویج علم و ترجمه کتاب‌های پهلوی به عربی در فنون ادبی، اخلاقی، تاریخی مملکت‌داری و آداب معاشرت و منطق، آثار ارزشمندی ارائه شد و دانشمندان ایرانی و دیگران آثار طبی و فلسفی یونانی و هندوی را به عربی ترجمه کردند. به همین دلیل، این دوره از تاریخ اسلام را قرون طلایی اسلام نامیده‌اند (صدیق، ۱۳۳۶: ۱۰۳).

در قرن پنجم هجری قمری در دوره حکومت سلاجقه، به منظور تربیت مدیران و حکمرانان، فکر تأسیس مدارس خاص شکل گرفت. در سال ۴۵۹ هجری قمری «نظام‌الملک» مدارس نظامیه را پایه‌گذاری کرد. وی مدارس متعددی

در شهرهای گوناگون از جمله هرات، اصفهان، نیشابور و بلخ تأسیس کرد که بزرگ‌ترین آن‌ها «نظامیه» بغداد بود. این نظامیه‌ها و اداره آن‌ها

در دست شخصی معروف به «متولی» بود که آن‌ها را طبق وقف‌نامه اداره می‌کرد. معلمان نظامیه به سه دسته تقسیم می‌شدند: ۱. مدرس؛ ۲. نایب‌مدرس؛ ۳. معید.

مدرس مقام شامخی داشت و علمای طراز اول مملکت او را انتخاب می‌کردند. اگر معلمی با این اوصاف پیدا نمی‌شد، موقتاً کسی را به نیابت مدرس تعیین می‌کردند. گاهی صدها معلم و طلبه تلمذ علم می‌کردند و چون صدای مدرس به گوش همه نمی‌رسید از دو نفر مؤید



استفاده می‌شد که در دو طرف استاد می‌ایستادند و با صدای بلند بیانات او را تکرار می‌کردند (وکیلیان، ۱۳۷۰: ۵۶).

با ایجاد نظامیه بغداد در کشورهای اسلامی نهضت بزرگی برای ایجاد مدرسه پدید آمد و برخی از بزرگان به فکر تأسیس مدارس بر اساس تشکیلات «نظام‌الملک» افتادند؛ مانند تاج‌الملک قمی. نهضتی که خواجه‌نظام‌الملک با ساختن نظامیه‌ها به وجود آورد، به سرعت در سراسر ایران و کشورهای اسلامی انتشار یافت و شاگردان زیادی به این مدارس روی آوردند. در این مدارس، استادانی تدریس می‌کردند مانند **شیخ ابواسحاق شیرازی** و امام محمد غزالی. مواد تدریس عبارت بودند از علوم قرآنی، قرائت و تفسیر و بحث در قصص و امثال و احکام قرآن، حدیث و فقه و فروع آن‌ها و کلام و علوم ادبی یعنی صرف، نحو، لغت، معانی بیان و امثال آن (نظام‌الملک، ۱۳۶۳، ج: ۱: ۷۲۲).

رهاورد ارزشمند اسلام، فرهنگ و تمدن اسلامی است که براساس برنامه‌های مترقی و منسجم و آموزش‌های اسلامی شکل گرفت و اولین کانون آن مساجد بود. مساجد در ابتدا محل تجمع نو مسلمانی بودند که برای حل و فصل مسائل ورتق وفتق امور دینی به آنجا رفت و آمد می‌کردند و کارهایی از قبیل اقامه نماز، استماع، تبلیغ دین و اصول آن، بررسی‌های دینی، تقسیم غنائم، پرستش و نیایش در آنجا انجام می‌گرفت. مساجد همچنین، دادگاه‌های دادرسی و کانون سیاسی و نهاد آموزشی نیز بودند. هر مسجدی موفق‌فای داشت که از درآمد آن به مدرس، پیش‌نماز و واعظ حقوق پرداخت می‌شد. به دانشجویان نیازمند از طرف خیرین مسجد و سلاطین، که چیزی وقف کرده بودند، حقوق پرداخت

می‌شد. بنابراین، جایگاه اصلی برای آموزش در اسلام مساجد بود و مسلمین هر کجا را فتح می‌کردند، مسجدی بنا می‌نهادند. **عمر بن خطاب** به والیان خود دستور می‌داد که مسجد جامع بسازند تا در آنجا نماز آدینه و نمازهای روزانه برگزار شود. (شبللی، ۱۳۵۴، ۹۰).

بعضی از مساجد بزرگ و مهمی که برای آموزش ساخته شدند، عبارت بودند از:

۱. مسجد جامع منصور که برجسته‌ترین مدرسه و آرمان تمام دانشمندان بود.
۲. مسجد جامع دمشق که یکی از کانون‌های آموزشی بود. ابن جبیر می‌گوید: حلقه‌های تدریس بسیاری در این مسجد وجود داشت و استادان آن حقوق روزانه خوبی داشتند (ابن جبیر، ۱۳۵۱: ۲۷۲).
۳. مسجد جامع عمر که پزشکی، تفسیر، فقه و ستاره‌شناسی در آن تدریس می‌شد.

### مکتب‌خانه‌ها و کیفیت تعلیم آن‌ها

مکتب‌خانه‌ها مراکز یا مؤسسه‌ای بودند که برای تعلیم و تربیت و قرائت قرآن و آموختن و خواندن و نوشتن به وجود آمدند. مکتب را در زبان تازی «کتاب» می‌خوانند. دو نوع مکتب‌خانه وجود داشت: ۱. مکتب‌خانه‌هایی که در آن قرآن و مسائل دینی آموزش داده می‌شد؛ ۲. مکتب‌خانه‌هایی که خواندن و نوشتن را تعلیم می‌دادند. مکتب‌دار را معلم یا مؤدب یا ادیب می‌خواندند. حقوق مکتب‌دار از درآمد اوقاف مکتب تأمین می‌شد. مواردی که در مکتب‌خانه‌ها تدریس می‌شد، علاوه بر قرآن و احادیث، گلستان سعدی، حافظ، مثنوی، نان و حلواهای شیخ‌بهایی، پندنامه

عطار، موش و گریه عبید زاکانی، حلیه المتقین مجلسی و حسین کرد شبستری بود (یار شاطر، ۱۳۵۶: ۱۹۲).

مکتب‌دار معمولاً در پایان هر مرحله از تعلیم، مانند ختم سوره فاتحه تا اتمام قرائت قرآن، هدیه‌ای از اولیا دریافت می‌کرد. وی علاوه بر تعلیم اطفال به امور دیگر از جمله استنساخ کتاب، نامه‌نویسی، تحریرات شرعی و دعانویسی نیز می‌پرداخت (راوندی، ۱۳۳۷: ۱۲).

### مدارس اسلامی و شیوه‌های تدریس در آن‌ها

مدرسه تا سه قرن اول هجری وجود نداشت. در سال ۲۰۰ هجری قمری به فرمان مأمون در شهر بغداد بیت الحکمه تأسیس شد که کتابخانه و رصدخانه داشت. کتاب‌های متعددی هم از منطق، نجوم، ریاضیات، طب، ادب و سیاست یونان به پهلوی، هندی و سریانی به زبان عربی ترجمه شدند. نخستین مدرسه مستقل را ناصر کبیر، از داعیان علوی، در آمل برپا کرد و در قرن چهارم چند مدرسه در نیشابور و سبزوار تأسیس شد که مشهورترین آن‌ها مدرسه‌های «بیهقیه» و «سعديه» بودند (صفا، ؟: ۱۴).

شیوه‌های تعلیم و تربیت اسلامی به نحوی سازمان یافته بود که بیشترین آزادی و انعطاف‌پذیری را به استادان و شاگردان می‌بخشید.

سازمان تدریس چنین بود:

الف) حلقه: به معنای دایره که به صورت دایره و گرداگرد آن می‌نشستند.

ب) دیوار نشست: که دلالت بر نشست و انجمن دارد که مناظره‌ها در این مجالس دیده می‌شد.

ج) مجالس مذاکره یا مباحثه (منیرالدین، ۱۳۳۵: ۵۷).

روش‌های تدریس نیز در مدارس اسلامی، به طور اعم عبارت بودند از:

۱. سماع: به معنای شنیدن، که استاد، خارج از کتاب یا از حفظ، مطلبی را برای کلاس ارائه می‌کرد و دانشجویان گوش می‌دادند.

۲. املا: دانشجویان از روی کتاب یا آنچه استاد از درس نوشته بود، از حفظ به استاد عرضه می‌کردند که در اصطلاح عرض نیز نامیده می‌شد.

۳. اجازه: یا گواهی که به شخص اجازه می‌داده تا به استناد استاد کتابی یا بخشی معین از کتابی را روایت کند.

۴. و جاده: پذیرفتن یا گرفتن مطلبی یا متنی که کسی در کتاب‌ها یا یادداشت‌هایش از دیگران خوانده بود؛ بدون داشتن گواهی و اجازه یا کسب سماع.

۵. رحله: دانشجویان از یک مرکز آموزشی به کانون دیگری سفر و آگاهی کسب می‌کردند.

وسایل تحصیل در مدارس نیز عبارت بودند از: حفظ که بر حافظه تکیه داشت و روایت، درایه، سؤال و مناقشه، مناظره و مذاکره. (غنیچه، ۱۳۶۹: ۲۷۶-۲۴۷).

### عوامل تأثیرگذار بر نظام آموزش و پرورش از صدر اسلام تا تأسیس دارالفنون

این عوامل را می‌توان آمیزه‌ای از میراث کهن ایران باستان و فرهنگ اسلامی دانست: انتقال فرهنگ کهن به مسلمانان، آثار دانشمندان، حکومت‌ها و رخدادهای تاریخی.

الف) انتقال فرهنگ کهن به مسلمانان: در آن برهه از تاریخ ایران، علاوه بر تحولات ناشی از اسلام، عواملی نیز باعث بهره‌گیری از فرهنگ همسایگان و

سایر ملل متمدن و غنای فرهنگ ایران شد که عبارت بودند از:

۱. پیروزی اسکندر و جانشینان او و

رواج فرهنگ یونان بر ایران

۲. نقل مکان نسطوریان به امپراتوری

ایران و جهان عرب. این فرقه میراث

دانش یونانی هلنی به‌ویژه در زمینه‌های

فلسفی، پزشکی، ریاضیات و نجوم را به

ایران آوردند و در حفظ نگهداری آن‌ها

کوشیدند. این میراث را بعدها مسلمانان

به محققان قرون وسطا در اروپا منتقل

کردند.

۳. دانشگاه جندی شاپور که بر نامه‌های

آن با دانشگاه اسکندریه مطابقت داشت،

در قرن ۶ میلادی آموخته‌های هندی،

یونانی، سریانی،

هلنی و عبری و...

را در هم آمیخت

(فرای، ۱۳۴۶:

۱۴۲).

۴. تحقیقات و

آثار غیرمسلمانان

(ب) آثار

دانشمندان

دانشمندان

ایرانی از

صدر اسلام تا

تأسیس دارالفنون آثار ارزنده‌ای درباره موضوعات گوناگون پدید آوردند که در تکوین فلسفه و نظام آموزش و پرورش تأثیر بسزایی داشتند. مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از: قانون و شفا (ابن‌سینا)، چهارمقاله (نظامی عروضی)، قابوس‌نامه (عنصرالمعالی)، سیاست‌نامه (خواجه نظام‌الملک)، کیمیای سعادت (غزالی)، اخلاق ناصری (خواجه نصیر طوسی)، گلستان و بوستان (سعدی).

ج) حکومت‌ها و رخدادهای تاریخی



## ● دوره فترت

اعراب به دستور عمر به ایران حمله کردند. آنان در تاریخ ۲۱ هجری قمری در جنگ نهاوند، که فتح الفتوح نام گرفته است، ایران را فتح کردند و به این ترتیب کشور ایران جزو امپراتوری اسلام شد. از آن پس تا سال ۲۵۰ هجری قمری دوره فترت نامیده شده است. در این فاصله، امویان و عباسیان بر ایران حکمرانی داشته‌اند. از آغاز سلطه اعراب بر ایران دو نوع آموزش و پرورش به طور هم‌زمان در ایران وجود داشته است: یکی ویژه کسانی بود که در دین زرتشت باقی مانده بودند که زبان پهلوی و اصول دینانت را از طریق اوستا و زند می‌آموختند و دیگری به مسلمانان اختصاص داشت که با آموزش عربی همراه بود. در این دوره، آموزش و پرورش جنبه طبقاتی داشت و توده مردم از آن برخوردار نبودند و تعلیمات دینی به صورت شفاهی برای آن‌ها بیان می‌شد. در دوره عباسی آموزش زبان عربی گسترش یافت و با افزایش شمار اسلام آوردگان، خواندن قرآن و متون عربی ضرورت بیشتری یافت. با وجود این، آموختن زبان و ادبیات پهلوی همچنان رایج بود. زبان عربی که تا دوره اموی فقط زبان رسمی و مذهبی بود، در این دوره به زبان علمی و ادبی نیز تبدیل شد و از آن پس کتاب‌ها به زبان عربی نگاشته شدند. در این دوره، دانشمندان ایرانی نتیجه تحقیقات و اندیشه‌های خود را به عربی نوشتند. سرودن شعر فارسی در این دوره آغاز شد و حنظله بادغیسی نخستین شعر فارسی را سرود. (بارشاطر، ۱۳۵۷: ۲۸۳).

## - از نیمه قرن سوم تا استیلای مغول (۴۵۰-۲۵۰ هجری قمری):

این فاصله زمانی به دو دوره تقسیم

می‌شود:

**دوره اول** با حکومت‌های صفاریان، سامانیان، زیاریان و خاندان بویه همراه بوده است. در این فاصله، دانشمندانی چون **ابن سینا** و **ابوعلی مسکویه** و **عنصرالمعالی** پدیدار شدند که نظرات ارزشمندی درباره تعلیم و تربیت عرضه کردند.

**دوره دوم** با حکمرانی غزنویان، سلجوقیان، اتابکان و خوارزمشاهیان آغاز می‌شود. از رخدادهای مهم این دوره به صدارت رسیدن خواجه نظام‌الملک و تأسیس نظامیه است. دانشمندانی چون **غزالی** و **خواجه نصیر طوسی** و شاعرانی چون **عنصری**، **عسجدی**، **فرخی** و **فردوسی** و **سعدی** از پدیده‌های مهم این دوره به شمار می‌روند (حکمت، ۱۳۵۰: ۱۴۷).

- از استیلای مغول تا ظهور صفویه (۹۰۷-۶۵۶ ه.ق):

این دوره که به عصر رنج و گذار شهرت یافته است، به چهار دوره تقسیم می‌شود:

**دوره اول** که از آغاز حکومت هلاکوتا دوره حکومت ابوسعید است. در این دوره، علاقه شاهان مغول به ثبت فتوحات خود، باعث توجه آن‌ها به فن تاریخ‌نویسی شد و مورخانی پدید آمدند. شاعرانی اندک چو **عراقی**، **شبستری** و **اوحدی** در عرصه ادب این دوره ظاهر شدند.

**دوره دوم** با حکمرانی مظفریان، جلایریان، آل کرت و سربداران در نواحی مختلف ایران آغاز شد. در این دوره برخی شهرهای مهم به مراکز علم و ادب تبدیل شدند. شاعران معروف این دوره عبارت بودند از: **ابن یمین**، **خواجوی کرمانی**، **عبید زاکانی**، **سلمان ساوجی** و **حافظ شیرازی**. در زمینه تألیف کتاب

عربی نیز چند دانشمند در عرصه علم و ادب ظاهر شدند. (همان: ۲۵۰).

**دوره سوم** از آغاز حکومت شاهرخ فرزند تیمور در خراسان آغاز شد. رواج خط ثلث، احداث مسجد گوهرشاد، جمع‌آوری شاهنامه و توجه به هنرهای زیبا به ویژه معماری و کتابت، تأسیس رصدخانه سمرقند و تألیف زیج الغ بیکی، از دستاوردهای مهم این دوره است (صدیق، ۱۳۳۶: ۱۲۵).

**دوره چهارم** بعد از مرگ شاهرخ و جدال میان بازماندگان آغاز شد و امرا سلسله‌های مستقلی تشکیل دادند؛ از جمله ترکمانان قره‌قویونلو و آق‌قویونلو. هجوم و لشکرکشی مغولان ۴۰ سال و تیموریان ۲۵ سال طول کشید. پس از آن، ایران مدت ۸۰ سال در دست بازماندگان قوم بود. تیمور و بازماندگانش ۴۵ سال بر ایران سلطه داشتند و حدود ۱۱۰ سال نیز سلاله‌های کوچک بر قسمت‌هایی از کشور حاکم بودند.

نتیجه این حکومت‌ها انحطاط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایران بود. با غلبه مغول مرکز فرهنگ اسلامی از بین رفت و زبان عربی به زبان دینی محدود شد. کتاب‌های نفیس که حاصل قرن‌ها تجربه علمی بودند، هزاران دانشمند، مدرس، ادیب و نویسندگان کشته شدند. مکاتب و مساجد بسیاری نیز ویران شدند. شیوه بیان مطالب و نوشتن فارسی به ابهام، تکلیف و تعقید گرائید و مغلقت‌نویسی رواج یافت. همچنین در این دوره زبان ترکی در آذربایجان و شمال غرب ایران متداول شد (راوندی، ۱۳۶۷: ۱۵۲).

## ● دوره صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷ ه.ق):

این دوره نتایجی دربرداشت:  
۱. ایجاد وحدت و یگانگی از طریق توسل جستن به مذهب شیعه

**با غلبه مغول مرکز فرهنگ اسلامی از بین رفت و زبان عربی به زبان دینی محدود شد. کتاب‌های نفیس که حاصل قرن‌ها تجربه علمی بودند، هزاران دانشمند، مدرس، ادیب و نویسنده کشته شدند**



سعادی

ق به محاصره درآمد. با وساطت انگلیس و به موجب عهدنامه ترکمانچای در ۱۲۴۳ هـ ق این جنگ خاتمه یافت و حق کاپیتولاسیون برای روسیه و سایر دول اروپایی پایه‌گذاری شد. در این دوره دانشجویانی به اروپا اعزام شدند، چاپ‌خانه تأسیس و تماس ایران و اروپا برقرار شد و زبان و ادبیات فارسی رونق یافت. (همان: ۲۷۴).

پس از فتحعلی‌شاه، محمدشاه با صدارت قائم‌مقام در ۱۲۵۰ هـ ق به سلطنت رسید و فرزند ارشدش ناصرالدین میرزا به ولیعهدی معرفی شد. محمدشاه به علت ضعف نفس خود وزیر کاردان خویش را به قتل رساند و خود نیز در ۱۲۶۰ هـ ق درگذشت. در این دوره، **سیدعلی محمد شیرازی** معروف به باب فرقه بابیه را پایه نهاد. پس از فوت محمدشاه، ناصرالدین میرزا با حمایت میرزاتقی‌خان امیرکبیر در ۱۲۶۳ هـ ق به سلطنت رسید و امیرکبیر صدارت وی را عهده‌دار شد. در این دوره تحولات شگرفی در کشور پدید آمد. مهم‌ترین اقدامات امیرکبیر به شرح زیرند:

- ساماندهی ارتش با همیاری معلمان اروپایی  
- برقراری امنیت در کشور

● دوره زندیه (۱۱۹۳-۱۱۶۳):

در این دوره کریم‌خان زند حدود ۲۰ سال حکومت کرد. این زمان دوره آرایش و گسترش فرهنگ راكد دوره افشاری و رشد تجارت و اقتصاد است. پس از وی نیز افراد خاندان زند بر سر کسب قدرت به جان یکدیگر افتادند. آخرین آن‌ها **لطفعلی خان زند** بود که در ۱۲۰۹ هـ ق به دست **آقامحمدخان قاجار** به قتل می‌رسد (صدیق، ۱۳۶۶: ۱۲۵).

● دوره قاجاریه (۱۳۰۴ هـ ش - ۱۲۱۰ هـ ق):

حکومت سلسله قاجار با تاج‌گذاری آقامحمدخان در ۱۲۰۰ هـ ق در تهران آغاز گردید. آقامحمدخان قاجار خدمت مستقیمی به فرهنگ ایران نکرد، فقط عبارت‌پردازی، القاب و عناوین و گزافه‌گویی را در مراسلات ممنوع کرد (آدمیت، ۱۳۴۸: ۲۲۴). پس از قتل وی، **باباخان** در نوروز ۱۲۱۲ هـ ق تاج‌گذاری کرد. او **عباس میرزا** پسرش را به وصیت **آقامحمدخان** به ولیعهدی معرفی و **میرزا عیسی فراهانی اول** را به وزارت تعیین کرد. در این دوره، خطر روس ایران را تهدید می‌کرد. شاه برای مبارزه با این خطر با ناپلئون پیمان سیاسی و نظامی منعقد کرد و **ژنرال گاردان** برای خدمت نظامی به ایران اعزام شد. در ۱۸۱۱ میلادی رابطه فرانسه و روسیه تیره و انگلیس در ضدیت با فرانسه با روسیه متحد شد. جنگ فرانسه و روس در آوریل ۱۸۱۲ میلادی آغاز شد. (همان، ص ۲۰۷). در این زمان، جنگ‌های ایران و روسیه نیز آغاز شد. تبریز در ۱۲۴۳ هـ

۲. دشمنی‌های عثمانی در غرب و ازبکان در شرق

۳. محروم ماندن ایران از تحولات

اروپای قرن‌های ۱۶ تا ۱۸ میلادی

۴. قدرت یافتن عالمان مذهبی

۵. افزایش تعداد طلاب و کاهش

محصلان علوم طبیعی و ریاضی و ادبی

۶. رونق مراسم سوگواری شهدای

راه دین

۷. تألیف و تدوین مطالب دینی به

زبان فارسی به جای زبان عربی

۸. ظهور اندیشمندانی چون

ملاصدرای شیرازی، میرداماد، علامه

مجلسی و ملامحسن فیض

۹. عدم توجه به شعرا و جلوگیری از

مدح شاعران، شاهان را (حکمت، ۱۳۵۰:

۱۷۴).

● دوره افشاریه (۱۱۶۰ - ۱۱۰۰ هجری قمری):

در این دوره، از همان ابتدای ظهور نادر تا پس از ۱۲ سال حکومت او همواره جنگ و ستیز و ویرانی در قسمت اعظم سرزمین در جریان بود. نبردهای متعدد با عثمانیان در شمال، ازبکان در شرق و روسیه، ویرانی و آوارگی‌های بسیاری را به دنبال داشت. در این دوره علما و روحانیون به سرزمین هند و عتبات عالیات مهاجرت کردند و بسیاری از مدارس ویران و محصلان یا ترک دانش کردند یا به خدمت نظام پیوستند. در دوره‌های نادر نیز اختلافات و درگیری‌های داخلی، امید برای رشد فرهنگی و ادبی در این دوره را به ناامیدی تبدیل کرد.



اساسی معارف ایران در مورد همگانی شدن آموزش ابتدایی به تصویب رسید و به تدریج آموزش مکتب‌خانه‌ای به آموزش دبستانی تبدیل شد (شمیم، ۱۳۴۳، ۳۸۴). چند روز پس از امضای فرمان مشروطه مظفرالدین‌شاه درگذشت و پسرش محمدعلی‌شاه جانشین او شد. وی که در باطن با مجلس مخالف بود، سرانجام به کمک نیروی قزاق ساختمان مجلس را به توپ بست و استبداد حکم فرما شد. لیکن مردم در شهرهای مختلف قیام کردند و در ۱۳۲۷ هـ ق نیروی شاه شکست خورد و شاه نیز به روسیه پناهنده شد. (مکی، ۱۳۲۳، ج ۳: ۴۵۲). پس از کناره‌گیری محمدعلی‌شاه، احمد میرزا، فرزندش، از طرف ملّیون به سلطنت برگزیده شد و از طرف مجلس عضدالملک و ناصرالملک به ترتیب به ریاست برگزیده شدند. دولت به پشتیبانی مجلس اصلاحات را آغاز کرد ولیکن با مخالفت روس و انگلیس مواجه شد. سرانجام مجلس در این دوره تعطیل شد، ارتش روس و انگلیس وارد ایران شدند و تا قزوین پیشروی کردند. سرانجام در سال ۱۳۳۲ هـ ق جنگ جهانی اول آغاز شد. با اینکه ایران بی‌طرفی خود را در این جنگ اعلام کرده بود، مورد تجاوز

دانشمندان ایرانی از صدر اسلام تا تأسیس دارالفنون آثار ارزنده‌ای پدید آوردند که در تکوین فلسفه و نظام آموزش و پرورش تأثیر بسزایی داشتند. مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از: قانون و شفا (ابن‌سینا)، چهارمقاله (نظامی عروضی)، قابوس‌نامه (عنصرالمعالی)، سیاست‌نامه (خواجه نظام‌الملک)، کیمیای سعادت (غزالی)، اخلاق ناصری (خواجه نصیر طوسی)، گلستان و بوستان (سعدی)

صد نفری که به سن مدرسه می‌رسیدند، دو نفر به مدرسه راه می‌یافت. بقیه از نعمت تحصیل بی‌بهره بودند. این امر تشکیل حکومت ملی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرد (کسروی، ۱۷۴).

دخالت‌های روس و انگلیس، بیماری مظفرالدین‌شاه، بی‌اطلاعی مردم از کیفیت حکومت ملی و تقلیدی بودن قانون اساسی ایران، که تناسبی با جامعه و فرهنگ مردم ایران نداشت، موجب شد اوضاع کشور آشفته بماند. اما عواملی چون رفت و آمد سفیران کشورهای اروپایی و انتشار اخبار انقلاب صنعتی، سیاسی و اجتماعی کشورهای اروپایی موجبات روی آوردن به تمدن اروپایی شد (همان: ۲۴۱).

قانون اساسی مشروطه که در ۱۳۲۴ هـ ق به تصویب رسید، در اصل‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ این هدف‌ها را برای آموزش و پرورش در نظر گرفته است: «تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد، مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد، تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملی و تحصیل اجباری، عامه مطبوعات غیر از کتب و مواد مضره به دین مبین آزاد و ممیزی در آن‌ها ممنوع است ولی هرگاه چیزی خلاف قانون مطبوعات در آن‌ها مشاهده شود، نشر دهنده یا نویسنده طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود.»

با آغاز مشروطه بر تعداد مدارس افزوده شد. پس از پیروزی مشروطه‌طلبان و تشکیل پارلمان در ۱۲۹۰ هـ ق قانون

- سامان دادن به امور بودجه و حقوق کارکنان  
- جلوگیری از مداخله روس و انگلیس  
- رسیدگی به بهداشت عمومی و تعیین پزشک برای نظام  
- انتشار روزنامه و وقایع اتفاقیه  
- تأسیس مدرسه دارالفنون و اعزام محصل به اروپا

پس از ناصرالدین‌شاه ولیعهد ۴۴ ساله، که در تبریز اقامت داشت، در ۱۳۱۳ هـ ق به تهران آمد و زمام امور را به دست گرفت. مظفرالدین‌شاه صدارت را به امین‌الدوله سپرد. وی اصلاحاتی را آغاز کرد، ولی با دسیسه اطرافیان امین‌السلطان از صدارت معزول شد و عین‌الدوله به صدارت رسید. وی مملکت را به استقراض خارجی دچار و راه را برای مداخله روس و انگلیس در امور کشور هموار کرد. در این دوره مظفرالدین‌شاه فرمان مشروطه را صادر کرد و متعاقب آن اولین دوره مجلس شورای ملی در ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ هـ ق گشایش یافت و قانون اساسی در ۵۱ ماده به تصویب رسید (مکی، ۱۳۲۳، ج ۳: ۷۴۵).

انقلاب مشروطه نقش بسزایی در تحول و تکوین نظام جدید داشت اما آنچه که در نتیجه تلاش آزادی‌خواهان به عنوان نظام سیاسی مشروطه حاصل شد، با همه ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌طور که باید و شاید شکل نگرفت؛ تا جایی که در سال ۱۳۲۴ در ایران از هر

دولت‌های روس و انگلیس قرار گرفت و خسارت‌های زیادی بر کشور وارد شد (شمیم، ۱۳۴۳، ۲۴۸).

### تأسیس دارالفنون

نظام رسمی آموزش و پرورش در ایران با تأسیس مدرسه دارالفنون آغاز شد. سنگ بنای این مدرسه با همت امیرکبیر در سال ۱۲۶۶ هـ ق در محل کنونی دبیرستان امیرکبیر واقع در خیابان ناصرخسرو تهران نهاده شد. دارالفنون در ۱۲۶۸ هـ ق گشایش یافت اما هنگام افتتاح آن امیرکبیر به کاشان تبعید شده بود. مدرسه مذکور با حضور ناصرالدین‌شاه و میرزا آقاخان نوری صدراعظم و وزیران و اهل فضل و معلمان ایرانی و اروپایی افتتاح شد و در هر رشته گروهی به تحصیل علوم جدید مشغول شدند. در این مدرسه رشته‌های پیاده‌نظام، سواره‌نظام، توپخانه، مهندسی، پزشکی، جراحی، داروسازی و معدن وجود داشت. در تمام رشته‌ها زبان فرانسه، علوم طبیعی و ریاضی و تاریخ و جغرافیا تدریس می‌شدند (آدمیت، ۱۳۴۸: ۴۲).

در طول تاریخ، این نخستین بار بود که دولت به طور مستقیم مدرسه تأسیس کرده و به طور رسمی اداره آن را بر عهده گرفته بود. به همین دلیل، تاریخ گشایش دارالفنون مبدأ تحول جدید در آموزش و پرورش ایران است. از آنجا که معلمان دارالفنون از کشورهای اروپایی به خدمت گرفته شده بودند، با ورود آن‌ها فرهنگ جدید مغرب زمین به ایران وارد شد. تحصیل در این مدرسه رایگان بود. دانش‌آموزان که تعداد آن‌ها در بدو تأسیس صد نفر بود، لباس واحد می‌پوشیدند، در مدرسه تغذیه می‌شدند و کمک‌هزینه تحصیلی دریافت می‌کردند. مطالب درسی هم به صورت کتاب تألیف

می‌شدند و در چاپخانه مدرسه به چاپ می‌رسیدند (همان: ۵۷).

اولین رئیس دارالفنون «میرزا محمدعلی خان شیرازی» - وزیر امور خارجه - و سپس «عزیزخان مکری» - سردار کل - بود. سپس رضاقلی خان هدایت ریاست آن را بر عهده گرفت. در سال ۱۲۷۴ هـ ق «علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه» به ریاست دارالفنون برگزیده شد. وی یک سال بعد نیز به عنوان نخستین وزیر علوم به این سمت منصوب شد (شمیم، ۱۳۴۳: ۲۲۱).



امیرکبیر

### پی‌نوشت

۱. شمیم، علی‌اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۲۴۸
۱. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران، ص ۴۲
۲. همان، منبع، ص ۵۷
۳. شمیم، علی‌اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، ص ۲۲۱

### منابع

۱. آدمیت، فریدون، امیرکبیر و ایران. خوارزمی، تهران. ۱۳۴۸.
۲. ابن جبیر، الرحله، ترجمه حسین ذوالفقاری، طوفان. تهران. ۱۳۵۱.
۳. ابن‌خلدون، مقدمه، ترجمه محمدرضا سلیمی، مطالعات اسلامی. تهران. ۱۳۷۰.
۴. ارفع الدوله، م. ایران دیروز. آموزش و پرورش. تهران. ۱۳۴۵.
۵. پیرنیا، حسن. اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ

- کامل ایران. دنیای کتاب.
۶. بلاذری. فتوح البلدان. ترجمه حسین ساکت. نشر اسلامی. تهران. ۱۳۵۵.
۷. بیژن، اسداله. سیر تمدن و تربیت در ایران باستان. ابن سینا. تهران. ۱۳۵۰.
۸. پیرنیا. مشیرالدوله. ایران باستان. ج ۳.
۹. حکمت، علیرضا. آموزش و پرورش ایران باستان. تهران. مؤسسه تحقیقات برنامه‌ریزی علمی آموزشی. ۱۳۵۰.
۱۰. درانی، کمال. تاریخ آموزش و پرورش قبل و بعد از اسلام. سمت. ۱۳۷۶.
۱۱. دورانت، ویل آریل. تاریخ تمدن. ج ۱. ترجمه احمد آرام. تهران. فرانکلین.
۱۲. دیاکونوف، ام. تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. بنگاه ترجمه و نشر کتاب. تهران. ۱۳۴۳.
۱۳. راوندی، مرتضی. سیر فرهنگ و تاریخ و تعلیم و تربیت در ایران و اروپا. نگاه. تهران. ج ۲. ۱۳۶۷.
۱۴. شبلی، احمد. تاریخ آموزش در اسلام. ترجمه محمدحسین ساکت. نشر اسلامی. تهران. ۱۳۵۴.
۱۵. شمیم، علی‌اصغر، ایران دوره سلطنت قاجار. ابن سینا، تهران. ۱۳۴۳.
۱۶. صدیقی، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران. دانشگاه تهران. تهران. ۱۳۳۶.
۱۷. صفوی، امان‌الله. تاریخ آموزش و پرورش ایران از ایران باستان تا ۱۳۸۰ هـ ش. رشد. تهران. ۱۳۸۳.
۱۸. عبیوضی، بدرالسادات. تعلیم و تربیت در ایران باستان تا انقلاب فرهنگی. عبیوضی. تهران. ج ۱. ۱۳۸۵.
۱۹. غنچه، عبدالرحیم. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی. ترجمه حسین مقدسی. رودکی. تهران. ۱۳۶۹.
۲۰. فرای، ریچارد، میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب‌نیا. بنگاه ترجمه. تهران. ۱۳۴۶.
۲۱. کریستین سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. امیرکبیر. تهران. ۱۳۷۱.
۲۲. کشاورزی، محمدعلی. تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران. رهگشا. ۱۳۷۱.
۲۳. گزنفون، کوروش‌نامه. برخی نویسندگان روسی. تهران. ۱۳۵۴.
۲۴. مکی، حسین. تاریخ بیست ساله ایران. مجلس. تهران. ۱۳۲۳.
۲۵. منیرالدین، احمد. وزیر آموزش اسلامی. ترجمه حسین اشرفی. بعثت. شیراز. ۱۳۶۵.
۲۶. وکیلیان، منوچهر. تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران. تهران. پیام نور. ۱۳۷۰.
۲۷. یارشاطر، احسان. دانش‌نامه اسلام و ایران. بنگاه ترجمه. تهران. ۱۳۵۶.
۲۸. یارشاطر، احسان. زبان و لهجه‌های ایرانی. بنگاه ترجمه. تهران. ۱۳۵۷.